اخبار

انتقاد سیما تیرانداز از عملکرد برخی تهیه‌کنندگان

سیما تیرانداز از وضعیت نابسامان سینما و تلویزیون انتقاد کرد و گفت: مهم‌ترین معیار برای تهیه‌کنندگان سینما و تلویزیون مبلغ دستمزد بازیگران است. این بازیگر تئاتر، سینما و تلویزیون در گفت‌وگو با ایسنا توضیح داد: این روزها مشغول تمرین نمایش «تقدیربازان» هستم و این نمایش را برای اجرا در جشنواره تئاتر فجر آماده می‌کنم. به گفته او؛ متن این نمایش نوشته هاله مشتاقی‌نیا و داستان آن درباره تنهایی آدم‌هاست و نشان می‌دهد انتخاب‌های اشتباه خودمان، چگونه ما را به سمت تنهایی می‌برد. تیرانداز هرچند این نمایش را کارگردانی می‌کند اما خودش در آن بازی نمی‌کند. او درباره حضورش در پروژه‌های سینمایی و تلویزیونی نیز گفت: فعلا در حال صحبت هستم. چند پیشنهاد برای سینما و تلویزیون بود که بعضی را اصلا دوست نداشتم، چون با حال و هوای من همخوانی نداشت. بازیگر فیلم‌های «بانو» و «پاداش سکوت» اضافه کرد: به هر حال هر نقشی برای بازیگر پارامترهای مختلف دارد اما متأسفانه این روزها مهم‌ترین فاکتور انتخاب برای تهیه‌کنندگان سینما و حتی تلویزیون مساله دستمزد است. یعنی بازیگری که دستمزد کمتری بگیرد، نقش‌های بیشتری خواهد داشت و اینچنین است که تهیه‌کنندگان اندکی در سینما هستند که دستمزد بازیگر، اولین معیار انتخابشان نباشد. تیرانداز با توضیح پیامدهای منفی این روند، اظهار تأسف کرد و افزود: با وجود زحمتی که بازیگران می‌کشند، مبلغ دستمزد اولین رکن تعیین‌کننده شده است و این مساله بشدت به کیفیت آثار هنری ما لطمه می‌زند. جالب اینجاست تهیه‌کنندگان پیش از اینکه نظر بازیگر را درباره فیلمنامه و نقش پیشنهادی بدانند، درباره دستمزدش می‌پرسند! او گفت: شاید یکی از دلایلی که امسال کار تصویری نداشتم همین مساله بود. به گزارش ایسنا، سیما تیرانداز به‌تازگی تمرین نمایش «تقدیربازان» را آغاز کرده و بازیگران این نمایش به ترتیب حروف الفبا عبارتند از: یمین آتشی، روزبه حصاری، فرناز رهنما، هومن کیایی، بهاره مشیری و ندا مقصودی. همچنین طراحی صحنه این نمایش را سعید حسنلو انجام می‌دهد. سیما تیرانداز اوایل امسال نمایش «سه روایت از زندگی» نوشته یاسمینا رضا را در تماشاخانه ایرانشهر به صحنه برد که خودش علاوه بر کارگردانی، در آن نمایش بازی هم می‌کرد.

■■■

وضعیت ۱۵ فیلم بازبینی شده توسط هیأت انتخاب جشنواره فیلم فجر

احمد امینی، کارگردان سینما و تلویزیون و از اعضای هیات بازبینی فیلم‌های سی‌وسومین جشنواره فیلم فجر پیرامون کیفیت فیلم‌های تابه‌حال دیده شده جشنواره گفت: «فیلم‌ها در قیاس با آثار سال گذشته و به لحاظ داستانی از کیفیت بسیار بالایی برخوردار هستند.» امینی در گفت‌وگو با سینماپرس افزود: «تاکنون بیش از ۱۵ فیلم را مورد بازبینی قرار داده‌ایم و فکر می‌کنم تا ۴۵ روز دیگر همچنان درگیر دیدن فیلم‌ها باشیم.» کارگردان سریال «داوران» پیرامون فیلم‌هایی که ممکن است بعد از پایان مهلت ارسال آثار به دبیرخانه ارسال شود بیان داشت: «مدیرانی چون علیرضا رضاداد باید برای پذیرفتن یا عدم پذیرفتن آنها در بخش رقابتی جشنواره تصمیم بگیرند اما اگر چنین اتفاقی رخ دهم با اشتیاق آن فیلم‌ها را نیز مورد بازبینی قرار خواهیم داد.» امینی در پایان پیرامون فیلم‌هایی که تاکنون مورد بازبینی قرار گرفته است، اظهار داشت: «به دلیل تعهد اخلاقی از بردن نام فیلم‌ها معذور هستم اما همین قدر می‌گویم که فیلم‌ها را بسیار دوست داشتم چون بشدت متفاوت ساخته شده‌اند. من فقط شما را کنجکاو به دیدن فیلم‌های سی و سومین جشنواره فیلم فجر می‌کنم».

■■■

«توجیه‌المسائل کربلا» منتشر شد

کتاب «توجیه‌المسائل کربلا» اثر سیدعلی‌اصغر علوی با مقدمه‌ای از دکتر رضائیان توسط انتشارات بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام و به اهتمام مرکز تحقیقات بسیج دانشجویی این دانشگاه منتشر شد. به گزارش تسنیم، کتاب «توجیه‌المسائل کربلا» اثر سیدعلی‌اصغر علوی با مقدمه‌ای از دکتر رضائیان توسط انتشارات بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام و به اهتمام مرکز تحقیقات بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام منتشر شد. لازم به ذکر است چاپ اول این کتاب در ۱۶۴ صفحه به شمارگان ۳۰۰۰ جلد و قیمت ۷۰۰۰ تومان در پاییز ۹۳ منتشر شده است. برای تهیه این کتاب می‌توانید به سایت مؤسسه علمی-فرهنگی سدید مراجعه یا با شماره ۰۲۱۶۶۴۸۶۱۲۰ تماس حاصل فرمایید.

خبرنگار فرهنگی «وطن امروز» باشید

هموطن گرامی! نقدها و یادداشت‌های خود را در حوزه فرهنگ و هنر، اعم از نقد سینمایی، نقد کتاب و گزارش فرهنگی از سراسر ایران برای روزنامه ارسال کنید. ضمن انتشار مطالب شما به نام خودتان در روزنامه، هر ماه به بهترین مطلب ارسالی هدیه‌ای از طرف «وطن امروز» تعلق خواهد گرفت.

Farhangi@vatanemrooz.ir

ویژه سینما حقیقت

محمدحسین جعفریان، کارگردان مستند «چه کسی ما را کشت؟» در گفت‌وگو با «وطن امروز»:

کمال خرازی پاسخگو نبود!

مرتضی اسماعیل‌دوست: فیلم مستند «چه کسی ما را کشت؟» ساخته محمدحسین جعفریان، به واکاوی شهادت بزرگوارانی در کنسولگری ایران در مزار شریف می‌پردازد و فیلمساز با توجه به آشنایی با محیط جغرافیایی منطقه و با تلاشی ارزنده به سراغ شخصیت‌های متعدد سیاسی برای رسیدن به پاسخی از عنوان مورد اشاره‌اش رفته است. پرداختی که ناخواسته به زاویه‌ای از سیاست گسیل گردید و شائبه‌هایی مختلف را سبب شد. از این رو بهتر دیدیم که نگاهی دوباره به اثر داشته باشیم و این بار با خالق آن به گفت‌وگو بپردازیم. محمدحسین جعفریان پاسخگوی سوالات بسیاری بود که شاید نتوان همه را در این پرداخت به رشته تحریر درآورد.

■ با توجه به موضوع ملتهب کشتار دیپلمات‌ها، چه انگیزه‌ای نزد شما موجب گام نهادن در این مسیر شد؟

من از سال ۱۳۸۹ که قرار شد برای حوزه هنری در خراسان جنوبی، فیلمی درباره شهید ناصری بسازم، درگیر این کار شدم و دیدم که می‌توان کمی فراتر از پرتره عمل کرد و یکسری دغدغه‌ها را اجرایی کرد. از همان موقع نیز هشدار دادم که پرداخت به این موضوع ممکن است موجب مشکلاتی شود اما دوستان حوزه حمایت کردند و شاید نمی‌دانستند که نتیجه کار چه خواهد بود. من شروع به فیلمبرداری از گفت‌وگوهای صورت‌گرفته با خانواده شهید ناصری و دوستان ایشان کردم و با تنها بازمانده این واقعه که آقای شاهسون بودند، راهی افغانستان برای روایت نحوه شهادت آن عزیزان شدم. اینها ادای دینی بود که سال‌ها نسبت به شهیدانی که دوستان من بودند، احساس می‌کردم و امیدوارم مورد قبول واقع شود.

■ به نظر می‌رسد ایده اولیه از چهره‌نگاری شهید ناصری، بهانه‌ای برای پرداخت به موضوعی حساس از چرایی شهادت آن عزیزان بوده است.

سال‌های زیادی، واسطه فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در افغانستان بودم و ۳،۲ روز قبل از شهادت دوستانم به ایران آمدم. از این نظر نکاتی را می‌دانستم که شاید خوشایند خیلی‌ها نبود. اما من وظیفه‌ای در خود احساس می‌کردم که حتما باید این کار را با همه مشکلات به سرانجام برسانم، چرا که سال‌ها از این ماجرا می‌گذشت و هیچ اشاره‌ای به این جریان نشده بود. پرداختن به شهید ناصری، این سوال را برای مخاطب ایجاد می‌کرد و عاقبت به آنجا می‌رساند که چطور شد این عزیزان به شهادت رسیدند و اگر فیلم به این سوال پاسخی نمی‌داد، نمی‌توانست جالب باشد. در سال‌های مختلف، فیلم‌های بسیاری درباره اخلاق و شیوه انسانی شهیدان بزرگواری ساخته شد، مانند فیلم زندگی شهید کاوه که بخشی از زندگی ایشان را تصویر می‌کند و هنگام شهادت ایشان به پایان می‌رسد اما ما در شهادت اعضای کنسولگری با ابهاماتی دچار بودیم و می‌بینیم مثلا آدم شگفت‌انگیز و مخلصی چون شهید ناصری، چقدر راحت به شهادت می‌رسند، با توجه به اینکه سال‌ها از جنگ گذشته است و ایشان در پی کارهای فرهنگی همچون عرضه کتاب و برنامه‌های شبکه تلویزیونی هستند و ناگهان آن مساله پیش می‌آید. از طرفی برای ۸ شهید دیگر هم هیچ مستند جدی کار نشده بود. درباره موضوع مطرح شده از سوی شما هم باید بگویم که من فکر نمی‌کردم فرصتی دوباره برای پرداخت به این ماجرا داشته باشم و دیدم به بهانه شهید ناصری می‌توان یکسری کارها کرد.

■ اما این نحوه برخورد در اجرا به دوگانگی روایی مبدل شده و رسیدن به نتیجه‌ای مطلوب را از هر دو بخش ساقط کرده است.

اگر کسی مستندساز باشد، به‌خوبی از معذوریت‌های این کار آگاه است. من نمی‌توانم به‌راحتی برای سوژه‌ای حساس، تهیه‌کننده پیدا کنم و باید حرفم را به نحوی بزنم. ما برای حلال کردن بودجه صرف‌شده در هر زمینه باید تلاشی صورت دهیم. من مدعی برای نتیجه ساخت این اثر نیستم اما می‌دانم این فیلم می‌تواند محرک بسیاری از فیلمسازان باشد که مردد از اجرای برخی سوژه‌های انتقادی هستند و از طرفی دعوتی است برای مراکز مستندسازی که بدون هراس از موضوع به حمایت فیلمساز بپردازند و بدانند که اگر نگاه سالمی پشت کار باشد و غرضی نباشد، حتما نتیجه مطلوبی در پی خواهد داشت. در پاسخ نقدتان درباره دوگانگی روایت باید توضیحاتی بدهم. در ابتدای کار فیلم کمی کند پیش می‌رود و در ادامه با توجه به شیوه تدوین، سعی شده دیالوگ‌ها کوتاه شود چرا که می‌دانستم این کندی باعث می‌شود که کشش لازم پیش نیاید و اگر موضوع به‌عنوان ریتم کار در نظر گرفته شود، این مساله تغییر می‌یابد.

■ زاویه دوربین شما در این مستند به سمتی از جناح خاص هدایت شده و علامت سوالی از جناح دیگر شکل می‌دهد. تا چه حد با نگره‌ای سیاسی به این موضوع پرداختید؟

من اصلا جناحی نیستم و راحت بگویم که با توجه به دانسته‌هایم درباره منطقه افغانستان، افرادی از هر دو جناح در این مساله اشتباه داشته‌اند. در همین چند روزه بعد از نمایش فیلم، برخی دوستان با من صحبت کردند که شما تلقی سیاسی داشته‌اید و موجب خرسندی جناحی و نگرانی جناحی دیگر شده‌اید. در صورتی که من تنها خواستم فیلمی بسازم و در آن بسیاری از موارد پرداخت به شخصیت شهید ناصری و دوستان دیگر را نشان داده‌ام و نیز درباره جایگاه طالبان در منطقه و اینکه مساله طوری طراحی شده بود که به جنگی جدید کشیده شود، صحبت کردم، مساله‌ای که با توجه به هوشیاری ایران به سمتی دیگر هدایت شد. متاسفانه برخی فقط با نگاهی سیاسی و از جانب جناح خود به مساله پرداختند و چند دقیقه از کل فیلم را مورد قضاوت ناصحیح خود قرار دادند. امیدوارم این همه گرایشات سیاسی در قضاوت ملاک قرار نگیرد.

> **من شیوه‌های مختلفی را برای حضور وزیر اسبق امور خارجه در فیلم پیشنهاد دادم و حتی صحبت‌های یکطرفه آقای بروجردی را که در واقع توپ را به زمین طرف دیگر می‌فرستد، برای رئیس دفتر آقای خرازی پخش کردم تا شاید در مقابل، حرف‌های منطقی خودشان را بزنند**

■ به نظر می‌رسد فیلم پاسخ قطعی از چرایی ماجرا نمی‌دهد و به طرح سوال اکتفا می‌کند. حالا از زبان شما بشنویم که واقعا چه کسی آنها را کشت؟

من به طور دقیق در فیلم می‌گویم که کار پاکستانی‌هاست. حتی در جریان گفت‌وگوها به نام ملا یارمحمد می‌رسیم اما از بابت تصور من از جریان چرایی ماجرا باید از دو جایگاه مختلف مستندساز و کارشناس سیاسی به شما پاسخ دهم. به‌عنوان یک فیلمساز باید موارد جست‌وجوگر خود را به تصویر می‌کشیدم و خوب می‌دانید که باید برای ارائه روایت، آدم‌های عینی را در قالب تصویر نشان داد. آنها که از شرایط دیپلماسی آگاه هستند، به‌خوبی می‌دانند که شخصی مانند ژنرال حمید گل چه جایگاهی در پاکستان دارد و پیدا کردن ایشان جهت گفت‌وگو چقدر دشوار است. در بخش مربوط به ایران، یک پای ماجرا آقای علاءالدین بروجردی بود و در مقابل وزیر وقت دولت اصلاحات قرار داشت. ما برنامه‌ریزی کرده بودیم که هریک از این بزرگواران می‌آیند و حرف‌های خود را می‌زنند اما پس از مدتی انتظار دیدم از طرف آقای خرازی، علاقه‌ای جهت گفت‌وگو وجود ندارد و متاسفانه حتی رفتار بدی از سوی رئیس دفتر ایشان صورت گرفت. این عدم حضور از سوی یک طرف قضیه باعث شد گفته‌های آقای بروجردی در فیلم، یکجانبه تلقی شود. در صورتی که من اصلا دنبال ایجاد ترکیبی سیاسی نبودم و می‌خواستم تنها حقایق ماجرا روشن شود.

■ اما شما می‌توانستید به نحوی دیگر و با استفاده از اشخاص دیگری به سمت قضاوتی کامل‌تر بروید.

من اصلا دنبال قضاوت نبودم. تنها می‌خواستم که حقیقت از طرف خود شخصیت‌ها مشخص شود. من چه باید می‌کردم تا طرف دیگر قضیه وارد ماجرا شود؟ در صورتی که هیچ تمایلی از آن سو جهت گفت‌وگو نبود. من به عنوان سازنده کار وظیفه داشتم به این دوستان مراجعه و درخواست همراهی کنم. مشکلات بسیاری بود و رفتار خیلی بدی با من در ساخت این مستند شد و خیلی از همین آقایان به من گفتند که از ساخت فیلم منصرف شوم. من بسیاری از مسائل را نمی‌توانستم در فیلم بگویم و حالا در اینجا مطرح می‌کنم که هر دو نفر از آقایان بروجردی و خرازی، تمایلی به ساخت این اثر نداشتند. من شیوه‌های مختلفی را برای حضور وزیر اسبق امور خارجه در فیلم پیشنهاد دادم و حتی صحبت‌های یکطرفه آقای بروجردی را که در واقع توپ را به زمین طرف دیگر می‌فرستد، برای رئیس دفتر آقای خرازی پخش کردم تا شاید در مقابل، حرف‌های منطقی خودشان را بزنند. ولی متاسفانه وعده‌های چند باره، ثمر نیافت. به نظرتان من چه باید می‌کردم؟ و باید فیلم‌های گرفته شده و تعداد زیاد مسافرت‌ها برای این فیلم را کنار می‌گذاشتم؟ این دوستان زورشان به ریش‌سفید خود نمی‌رسد و من را مورد پرسش قرار می‌دهند. حتی یکی از افراد رسانه‌ای آن جناح به من گفت تو حتی در صورت ضرر مالی، نباید این کار را ادامه می‌دادی! درباره نگاه دیگرم به عنوان فردی مطلع در ماجرای افغانستان این را بگویم که افرادی از هر دو گروه دچار اشتباه شدند و حداقل باید با پذیرش این سهل‌انگاری، از خانواده‌های عزیزان حادثه عذرخواهی می‌کردند چرا که دیپلمات‌های ما با توجه به خطر مشخص از سوی نیروهای پاکستانی، باید از آن محیط دور می‌شدند.

■ پس از پخش فیلم «چه کسی ما را کشت؟» چه واکنش و برخوردهایی با شما صورت گرفته است؟

من در یک روز سپری‌شده از پخش فیلم تاکنون ۷۳ مورد تماس دریافتی از افراد مختلف درباره این فیلم داشته‌ام. یکی از موارد، تماس مسؤولی ارزنده بود که بیش از یک ساعت به طول انجامید و با توجه به گرایش متفاوتی که با هم داشتیم، ایشان با توجه به ذات سینما، چنین روایتی را پذیرفت. اما متاسفانه برخی از مسؤولان به جایگاه مستند پی نبرده‌اند. اگر افراد مختلف دچار نگاهی آتشین نباشند، موضوع مورد بحث آنچنان ملتهب نیست که دامن زده شود. من پس از پخش فیلم در میان مردم عادی بدون قضاوت سیاسی و با نگاه‌های خوشایندی مواجه شدم. امیدوارم مسؤولان نیز به اهمیت سینما پی ببرند و از گفتن حقایق دوری نکنند و بدانند که جز دوربین خداوند، دوربین‌های دیگری نیز می‌توانند آنها را رصد کنند.

■■■

نگاهی به چند فیلم جشنواره سینماحقیقت

به سوی حقیقت می‌رود!

مجید فلاح: هنگام برگزاری جشنواره فیلم فجر، ناگهان از زمین و زمان پیدا می‌شوند، به نوعی شاهد بارش غیرقابل کنترل خبرنگار از نشریات و سایت‌ها هستیم. خبرنگارانی که متاسفانه گاهی برای عکس یادگاری گرفتن با هنرمندان به جشنواره آمده‌اند!

جشنواره فیلم فجر است و بازار حضور هنرمندان و سوپراستاران سینما، داغ داغ. حالا جشنواره‌ای برگزار می‌شود بدون حضور سوپراستاران گرامی، بدون حاشیه، جشنواره‌ای برای سینما، برای مردم، جشنواره‌ای که مردم کوچه و خیابان را بهتر می‌توانی در آن تماشا کنی. حالا خبرنگاران عزیز کجا تشریف دارند؟ سردبیران گرامی باخبر هستند چه اتفاق فرخنده‌ای در تهران به وقوع پیوسته؟ از دبیران سرویس هنری خود، نمی‌پرسند چه خبر از جشنواره حقیقت؟ اما جشنواره منتظر کسی نمی‌ماند و به راه خودش ادامه می‌دهد، چه ما باشیم و چه نباشیم. خوش به حال آن رسانه‌ای که سهمی در این جشنواره دارد.

قرار ملاقات- افسانه سالاری

افسانه سالاری در پایان‌نامه کارگردانی‌اش فیلمی با عنوان «قرار ملاقات» ساخت. او تحصیلات سینمایی خود را در فرانسه به اتمام رسانده است. این فیلم حکایت دختر نابینای جوانی است که می‌خواهد با سگ راهنمای خود ارتباط برقرار کند. او به مرکز نگهداری و آموزش سگ‌ها می‌رود و دوره‌ای را می‌گذراند... نمی‌دانم افسانه سالاری برای ساخت این فیلم مستند چه پروسه‌ای را پشت سر گذاشته است اما آنچه از تماشای فیلم احساس می‌شود همکاری نزدیک شخصیت‌هایی است که در فیلم حضور دارند. جالب اینکه در یکی از سکانس‌ها، آدم‌های فیلم به ناصری اشاره دارند و حتی می‌گویند او برای پایان‌نامه‌اش فیلم می‌سازد! چقدر خوب شد سالاری این سکانس را در تدوین فیلم گنجانده است چرا که به فضاسازی واقعی فیلم کمک شایانی می‌کند. کارگردان با ظرافت به ورطه احساسات نیفتاده تا سگ‌ها را حیواناتی قلمداد کند که اسیر انسان‌ها هستند. او در این میان تلاش کرده همکاری سگ‌ها را با نابینایان به تصویر بکشد. دوستی‌ای که شاید انسان‌ها سود بیشتری از آن ببرند.

دختر جوان و نابینای فیلم که از مهاجران کشور فرانسه است مقابل دوربین سالاری خیلی موفق نبود. امکان دارد به واسطه اینکه جایگاه دوربین را نمی‌دانست حرکاتش غیرقابل کنترل می‌نمایاند اما سالاری در مقام کارگردان اگرچه شاید نمی‌خواست به آدم‌های مقابل دوربین میزانسن بدهد اما می‌توانست به دوربین خود حرکت‌هایی بدهد که تصاویر بهتری را شاهد باشیم.

قرار ملاقات، پایان‌نامه دانشگاهی افسانه سالاری بود، باید به انتظار تجربه‌های دیگر او در وادی سینمای مستند باشیم. بدون شک با تجربه‌های این فیلم و تحصیل در کشوری مانند فرانسه، از او انتظار آثار بهتری می‌رود.

گرافیتی، هنر بیان - سیسیل گامارد

فیلم مستند «گرافیتی، هنر بیان» به کارگردانی «سیسیل گامارد» محصول فرانسه است. این فیلم بازشناختی است از هنری که برخی از هنرمندان به صورت مخفی آن را دنبال می‌کردند چرا که هنر اعتراض است! هنری که روی دیوارهای شهر نیویورک و قطارهای بین‌شهری شکل گرفت و کم‌کم به گالری‌های سراسر جهان راه یافت. سیاهان به نوعی پیشگامان این هنر هستند چراکه همواره هنر اعتراض را به این شکل به دیگران منتقل می‌کردند. فیلم یکی از هنرمندان سیاه را به تصویر می‌کشد و به حرف‌های او گوش می‌کند. همچنین نقطه‌نظرات گالری‌داران پاریس را درباره هنر گرافیتی جویا می‌شود. فیلم، مستندی است در ستایش هنر گرافیتی که امروزه در جهان گسترش پیدا کرده است اما متأسفانه نتوانسته تاریخچه درستی از این هنر به مخاطب نشان بدهد. فیلم بین معرفی هنرمند گرافیتی و پیشینه این هنر دست و پا می‌زند و عاقبت نمی‌تواند هیچ‌کدام را به‌درستی به سرانجام برساند! شخصیت‌های هنری که مقابل دوربین حرف می‌زنند، گاه پراکنده‌گویی دارند، معلوم نیست در ستایش هنرمند گرافیتی سخن می‌گویند یا از خود هنر!

آنچه پس از تماشای فیلم به ذهن متبادر می‌شود، این است که ما با یک پرتره هنری مواجه بودیم از زندگی یک هنرمند سیاهپوست گرافیتی اما در فیلم گاهی او را گم می‌کردیم! روی هم رفته، حضور فیلمی که هنر جدیدی را معرفی می‌کند، برای سینمای ما خیلی خوب می‌تواند باشد. با توجه به اینکه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، هنرمندان ایرانی به نوعی این هنر را در شهرهای مختلف ایران به حد اعلا رسانده‌اند. البته دیوارنوشته‌های ایران برخلاف جاهای دیگر، با انگیزه‌های شخصی نبوده و در جهت اهداف فرهنگی، اجتماعی و... کشور بوده است.

چنارستان ـ هادی آفریده

تهران، پایتخت مظلومی است! تهران، آن‌قدر ترافیک و آلودگی هوا و مشکلات دیگر دارد که مردم کمتر به زیبایی‌های این شهر بزرگ توجه دارند.

گاه دیدن گل‌ها، سبزه‌ها، زیبایی درختان و... دلی را به وجد نمی‌آورد! مردم عادت کرده‌اند صبح‌ها تندتند به سمت محل کارشان بروند و عصرها خود را به خانه برسانند! در این میان بهره‌مند شدن از زیبایی‌های بصری پایتخت نادیده گرفته می‌شود. باید در این میان، خوب دیدن و فرهنگ استفاده از جغرافیای بصری تهران را برای پایتخت‌نشین‌ها بهینه کرد. رسانه ملی و سینما یکی از موفق‌ترین‌ها در این وادی هستند که می‌توانند با ساخت و تولید آثار تصویری به این مهم بپردازند. هرچند مطبوعات و رسانه‌های دیجیتالی هم می‌توانند در این راه نقش خوبی ایفا کنند. مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی، سهم خوبی در این زمینه دارد! چرا که با تولید آثار مستند در این زمینه، تلاش کرده تا گوشه‌هایی از تاریخ این شهر مظلوم را به نمایش بگذارد. تازه‌ترین حمایت سینمای مستند و تجربی، ساخت فیلمی با عنوان «چنارستان» است که «هادی آفریده» آن را کارگردانی کرده. فیلمی در ستایش طولانی‌ترین چنارستان دنیا و طویل‌ترین خیابان خاورمیانه! خیابان ولی‌عصر، بدون شک یکی از زیباترین خیابان‌های پایتخت و کشور است. هادی آفریده در چنارستان از چگونگی شکل‌گیری این خیابان می‌گوید و از سرنوشتی که ساختمان‌های زیبا و مجلل اطراف این خیابان داشته‌اند. فیلم حکایت تحقیق مهندس جوانی (ندا توکلی) است که برای شناخت بیشتر خیابان ولی‌عصر (پهلوی سابق) سراغ آدم‌های قدیمی و ساختمان‌های برجا مانده از گذشته تهران می‌رود. او به ملاقات شخصیت‌های هنری هم می‌رود، مرتضی احمدی، علی دهباشی، کامران عدل، احمد نادعلیان، اسکندر مختاری، حوری اعتصام، امیر انوش‌فر و... از جمله این هنرمندان هستند. فیلم از میدان راه‌آهن آغاز می‌شود، از چایخانه سنتی که همه مشغول خوردن دیزی هستند! از ایستگاه راه‌آهن و مرتضی احمدی. دوربین آفریده پس از عبور از میادین، خانه‌های قدیمی و چهارراه‌های مهم، به میدان تجریش می‌رسد، باز هم به مرتضی احمدی و البته امامزاده صالح(ع). آغاز فیلم از میدان راه‌آهن تا امامزاده صالح(ع) و تأکید شایسته فیلم به این مکان مذهبی مقدس پایتخت، درخور توجه است و نشان از زیرکی کارگردان اثر دارد. هادی آفریده که محقق و کارگردان این اثر است، در فیلم خود به منابع تصویری باارزش از تاریخ صدساله پایتخت اشاره دارد. فیلم‌های باارزشی از خاندان پهلوی، تهران قدیم، فروغ فرخزاد، فرهاد مهراد و... در تدوین فیلم آمده که به جذابیت چنارستان افزوده است. تصویربرداری هلی‌شات هم به خوبی در خدمت فیلم بوده و حس زیباشناسی خوبی به مخاطب منتقل می‌کند. تماشای چنارستان با آه و افسوس مخاطب همراه است! اینکه چرا از داشته‌هایمان پاسداری نکردیم؟ چرا به جای ساختمان‌های زیبا، برج‌های سیمانی ساختیم؟ چرا ۶۰ هزار اصله چنار تبدیل به هشت هزار شده است؟! و...

چنارستان می‌تواند فیلمی باشد که هر پایتخت‌نشین پس از دیدن آن، به تهران افتخار کند. برای نگهداری بازمانده‌های تاریخی این شهر، تلاش کند و پس از این به همه زیبایی‌های این شهر، نگاه محبت‌آمیزی داشته باشد.

تازه‌ها

علیزاده شوالیه را نپذیرفت

شجریان از فرانسه تشکر کرد!

در حالی که نپذیرفتن نشان شوالیه از سوی استاد حسین علیزاده موجی از رضایت عمومی در میان اقشار عمومی پدید آورده است، محمدرضا شجریان که پیش از این نیز خود این نشان را از دولت فرانسه دریافت کرده بود، از فرانسه به‌خاطر توجهش به هنرمندان ایرانی تشکر کرد!

به گزارش شبکه اطلاع‌رسانی راه دانا، چند روز پیش آهنگساز و نوازنده سرشناس موسیقی سنتی ایران، روز جمعه، هفتم آذر، در نامه‌ای، از دریافت «نشان شوالیه هنر و ادب فرانسه» اعلام انصراف کرد و نوشت که «خود را بی‌نیاز از دریافت هر نشانی» می‌داند. وی در نامه خود خطاب به فرانسه نوشت: به احترام مردم هنرپرور و هنردوست ایران، به نام حسین علیزاده قناعت کرده و تا آخر عمر به آن پیشوند یا پسوندی نخواهم افزود. مردم در کامنت‌های فراوانی که برای این خبر گذاشتند از اقدام وی تشکر کرده و ارزش واقعی او را در قلب هوادارانش دانستند که از هر پیشوند و پسوندی باارزش‌تر است. پس دادن نشان شوالیه از سوی حسین علیزاده واکنش‌های زیادی را در پی داشت که در این میان علیرضا افتخاری، استاد موسیقی ایران در این باره گفت: پیرامون قبول نکردن نشان شوالیه سفارت فرانسه توسط حسین علیزاده باید این نکته را عرض کنم که او هنرمند بزرگی است، برای خود فکر مستقلی دارد و اندیشمندی بزرگوار محسوب می‌شود. افتخاری همچنین افزود: بالطبع وی فکر و جمع‌بندی خاصی داشته تا این نشان را قبول نکند؛ وی را به لحاظ فکر و اندیشه برتر از امثال خودم می‌دانم و مطمئناً علیزاده علاقه‌مند به کسب احترام مردم کشورش است تا دریافت لوح تقدیر. اما در این میان محمدرضا شجریان که پیش از این نشان شوالیه را از فرانسه دریافت کرده واکنشی عجیب نسبت به این اقدام استاد علیزاده نشان داده است. شجریان در صفحه فیس‌بوک خود نوشته این اقدام علیزاده در واقع اعتراض به فرانسه نبوده است و اعتراض اصلی استاد علیزاده به افراد داخل کشور است. به نظر می‌رسد شجریان در واقع به دنبال توجیهی برای اقدام خود در خصوص قبول کردن این جایزه می‌گشته و هنگامی که دید مردم از این اقدام استاد علیزاده به نیکی یاد می‌کنند بهترین توجیهی که می‌توانست برای عمل خود داشته باشد این بود. شجریان در ادامه مطلب خود از دولت فرانسه به‌خاطر توجه به هنرمندان ایران بسیار تشکر کرده و نوشته است: با سپاس از دولتمردان فرانسه که به نویسندگان، دانشمندان، هنرمندان و شخصیت‌های فرهنگی، ادبی و هنری ایران توجه خاص دارند. چنین پیامی نشانگر این است که افرادی نظیر شجریان به جای آنکه بخواهند هنرمند ملی-میهنی محسوب شوند بیشتر دلبسته به تشویق و حمایت‌های سفارتخانه‌هستند.

■■■

یک فیلم ضدایرانی، جایزه بهترین کارگردان «گاتهام» را گرفت

حلقه منتقدان نیویورک جایزه بهترین کارگردانی را به فیلمی ضدایرانی داد. به‌گزارش تسنیم، حلقه منتقدان نیویورک روز گذشته برندگانش را رسما معرفی کرد، مراسم جوایز گاتهام هم برگزار شد و تعدادی دیگر از فیلم‌ها و بازیگران دست پر به خانه‌هایشان رفتند. در این مراسم که جوایزش اصطلاحا به فیلم‌های مستقل می‌رسد، فیلم جدید الخاندرو گونزالس اینارریتو برنده بزرگ شب بود و توانست جایزه اصلی را از آن خود کند. نکته جالب این مراسم این بود که یک کارگردان زن ایرانی‌الاصل توانست جایزه کارگردانی این مراسم را به‌خاطر فیلم «دختری که شب تنها به خانه می‌رود» بگیرد. فیلمی آمریکایی که در آن یک دختر چادری ایرانی نقش خون‌آشام را بازی می‌کند. برخی رسانه‌ها از این فیلم با عنوان نخستین فیلم خون‌آشامی- ایرانی تاریخ سینما یاد کرده و به آن افتخار می‌کنند. در سالی که هالیوود هم کم علیه کشور ما به ساخت فیلم نپرداخت و فیلم‌هایی چون «گلاب» را اکران کرد، ایرانی‌های خارج‌نشین هم همنوا با هالیوود شدند و تیشه به ریشه خود زدند.

■■■

مرتضی احمدی در آی‌سی‌یو بستری شد

مرتضی احمدی، هنرمند پیشکسوت تئاتر، سینما و تلویزیون در بیمارستان بستری شده است. به گزارش مهر، مرتضی احمدی از دوشنبه شب ۱۰ آذر در یکی از بیمارستان‌های تهران بستری شده است و اکنون در آی‌سی‌یو این بیمارستان بسر می‌برد و اجازه ورود همراه به این بخش نیز وجود ندارد. حال عمومی احمدی صبح دیروز بهتر بوده است و پیش‌بینی می‌شود بزودی از بیمارستان مرخص شود. مرتضی احمدی متولد ۱۳۰۳ بازیگر سینما، تئاتر، تلویزیون و گوینده و